



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۰۶

مرداد ۱۳۹۵

G20 MAP

G20 MEMBERSHIP COUNTRY



محمد زواع
پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

چین، گروه بیست و گذار در نظم اقتصاد جهانی

پوشش داده و همچنین می‌تواند برای بازیگران و اقتصادهای نوظهوری مانند چین، پلتفورمی برای کسب و ایفای نقش‌های جدید در روابط و سیاست بین‌الملل باشد. چینی‌ها به خوبی می‌دانند که قاعده نویسی توسط این کشور در ابعاد و حوزه‌های نظامی امری بسیار دشوار و شاید در مقطع کنونی ناممکن باشد. از اینرو حرکت به سمت حوزه‌های نرم‌تر به خصوص عرصه‌های اقتصادی و تلاش برای فرمول‌نویسی در این حوزه که می‌تواند راحت‌تر صورت گیرد، به یکی از دستور کارهای اساسی تصمیم‌سازان چینی در مقطع کنونی تبدیل شده است. البته این مسئله را نباید به این معنا دانست که چینی‌ها صرفاً به این حوزه بسنده خواهند کرد بلکه شاید درست‌تر آن باشد که بگوییم این کشور تلاش خواهد نمود تا در آینده بتواند از این اتصالات و فرمول‌نویسی اقتصادی، خروجی‌های سیاسی و امنیتی نیز برداشت نماید...

برای فهم بهتر نگاه چین به گروه بیست و سایر نهادهای اقتصادی بین‌المللی، می‌بایست در وهله اول فهم و ادراک چین از ساختار و نظم اقتصاد جهانی را

مقدمه

اجلاس سران گروه بیست در چهارم و پنجم سپتامبر سال ۲۰۱۶ در چین برگزار خواهد شد. اگرچه چین بیان داشته است که این دوره از اجلاس می‌تواند به یکی از مثمر‌ترین اجلاس این گروه تاکنون تبدیل شود و مقامات مختلف این کشور هم تأکید نموده‌اند که تمرکز اساسی این اجلاس می‌بایست بر مسائل و معضلات اقتصادی متمرکز باشد. اما واقعیت آن است که سایه مسائلی مانند منازعات دریای چین جنوبی و شرقی، چگونگی استقرار سامانه تاد در کره جنوبی و پرتاب و آزمایش موشک‌های بالستیک توسط کره شمالی نیز بر این اجلاس سنگینی خواهد کرد. در ادامه تلاش می‌شود تا نگاه چین به گروه بیست و تلاش این کشور برای استفاده از این سازه به عنوان یکی از اهرم‌های مدیریت اقتصاد جهانی مورد بررسی قرار گیرد.

گروه بیست به عنوان یکی از محصولات نظم در حال‌گذار اقتصادی تقریباً ۸۰ درصد از حجم تجارت جهانی و نزدیک به ۷۰ درصد از جمعیت جهان را



بترتیب انگلستان و آمریکا محور بود و حال این نظم در حال ورود به فاز سوم خود یعنی فاز رقابت آمریکا با بازیگران و اقتصادهای نوظهور شده است. البته باید بیان داشت که این فاز از نظم و رقابت‌های اقتصادی بسیار پیچیده بوده و نمی‌توان قضاوت قطعی نسبت به خروجی آن بیان داشت. اما آنچه را که می‌توان با قطعیت بیان داشت آن است که چینی‌ها تلاش دارند تا در کوتاه‌مدت و به موازات افزایش قدرت اقتصادی خود، مدیریت اقتصادی توسط غرب را به مدیریت مشترک اقتصادی شرق و غرب تغییر دهد.

در هر حال باید گفت که چینی‌ها معتقدند که نظم اقتصاد جهانی در دوره گذار و بازسازی است و این مسئله فرصت مناسبی برای چین به منظور سامان‌دهی به نظم اقتصاد بین‌الملل می‌تواند فراهم آورد. در همین راستا ایجاد نهادهایی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و همچنین استراتژی جاده ابریشم را نیز می‌توان به عنوان یکی از سازه‌ها و اهرم‌های چین برای ایفای نقش فعال در این دوره بازسازی نظم اقتصادی مد نظر قرار داد. به بیان دیگر بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و جاده ابریشم از جمله محصولات مهم این کشور در نتیجه ادراک شرایط گذار در اقتصاد بین‌الملل و تلاش برای فرمول نویسی جدید متناسب با منافع خود در این شرایط است.

مسئله مهم دیگری که می‌توان در این راستا مورد اشاره قرار داد آن است که همه آثار قدرت‌یابی اقتصادی چین و نوع رفتار و تلاش این کشور برای ایفای نقش فعال در گروه بیست را نمی‌توان منحصر به حوزه بین‌الملل نمود بلکه حرکت لوکوموتیو انتظارات رو به افزایش جامعه داخلی چین و همچنین افزایش مشروعیت برای حزب کمونیست چین را نیز

شناخت. واقعیت آن است که از نظر بسیاری از تحلیل‌گران چینی، نظم اقتصادی جهانی در حال طی کردن شرایط گذار و حرکت به سمت یک نظم جدید است. تسلط چنین برداشتی در میان نخبگان و تصمیم‌سازان چینی این کشور را به این مسئله رهنمون می‌نماید که برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های راهبردی خود را در این شرایط گذار به گونه‌ای تنظیم نمایند که بتوانند از فرصت‌های عجین شده و پیوند خورده با این شرایط گذار جهت افزایش نقش آفرینی بیشتر در معادلات اقتصادی بین‌المللی و شکل‌دهی به نظم اقتصادی آینده به نحو احسن استفاده نمایند. از اینرو گروه بیست که خود نیز محصول همین شرایط گذار می‌باشد می‌تواند به خوبی توسط چین به عنوان اهرمی برای ایفای کارویژه مدیریت اقتصاد جهانی مورد استفاده قرار گیرد. این نگاه کارکردگرایانه چین به خصوص از سال ۲۰۰۸ و آغاز بحران مالی و اقتصادی جهانی بیشتر در دستور کار قرار گرفت و از آن زمان تاکنون، این کشور تلاش داشته تا بهره‌برداری بیشتری از این نهاد برای ایجاد چند صدایی در عرصه مدیریت کلان اقتصاد بین‌الملل نماید. به بیان دیگر گروه بیست و ماهیت رفتار چین در این نهاد را می‌توان به عنوان تمرینی برای شکل‌دهی به نظم اقتصاد بین‌المللی مورد توجه قرار داد. همانگونه که در آغاز نیز تاکید شد، ادراک چین از نظم کلان اقتصاد بین‌الملل می‌تواند سنگ‌بنای تحلیلی مهمی برای چگونگی حرکت و برنامه‌ریزی این کشور برای مدیریت اقتصاد بین‌الملل باشد. در این راستا می‌توان این ادراک تصمیم‌سازان چینی را اینگونه بیان داشت که نظم اقتصادی بین‌الملل در حال ورود به فاز سوم خود است. از نظر تحلیل‌گران چینی نظم اقتصادی بین‌الملل در فاز اول و دوم خود



۳ چین، گروه بیست و گذار در نظم اقتصاد جهانی

می‌بایست در این راستا مد نظر قرار داد. ریاست و مدیریت چین در گروه بیست نشان می‌دهد که دستاوردهای اقتصادی چین در طول سه دهه گذشته و مسیری که این کشور برای توسعه انتخاب کرده است، مسیر درست و موفقی بوده است و القا و تئوریزه نمودن این تصویر برای جامعه داخلی و افکار عمومی چین می‌تواند مردم این کشور را تشویق نماید تا فداکاری بیشتری برای تحقق سوسیالیسمی با ویژگی‌های چینی داشته باشند.